

ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی در کارمندان

علیرضا بیبک^۱، ناصر امینی خوبی^۲، علی کریمی ملک آبادی^۳^۱ کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (Alireza.psych@gmail.com)^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر^۳ کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی

چکیده

ویژگی‌های شخصیتی زوجین یکی از عوامل مؤثر در نوع، میزان و ماهیت تعارضات زناشویی می‌باشد این تحقیق با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه کارمندان ادارات شهرستان بوشهر بوده که نمونه‌ای به حجم ۱۴۸ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس از جامعه انتخاب و مورد تحقیق قرار گرفتند. ابزارهای تحقیق شامل پرسشنامه شخصیتی (NEO-ffii) و پرسشنامه تعارضات زناشویی بود. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین تیپ شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی و تعارضات زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین تیپ‌های شخصیتی (برونگرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) و تعارضات زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیرهای جمعیت شناختی سن، تحصیلات و طول مدت ازدواج با تعارضات زناشویی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و بین متغیرهای تعداد فرزندان و جنس با تعارضات زناشویی رابطه معنی داری وجود ندارد. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ویژگی‌های شخصیتی نقش بسیار مهم و مؤثری در تعارضات زناشویی دارد، در همین راستا می‌توان به همسو بودن نتایج این تحقیق، با سایر تحقیقات انجام شده در این زمینه، از جمله پژوهشی که توسط باریز و دیچکتزا (۲۰۰۶) انجام شده است اشاره نمود.

کلید واژه‌ها: متغیرهای جمعیت شناختی، تعارضات زناشویی.

ابزار

از پرسشنامه‌های شخصیتی (Neo-ffii)، پرسشنامه نو برای ارزیابی مختصر و سریع ۵ عامل اصلی شخصیت (بی‌ثباتی هیجانی، برونگرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) طراحی شده و هر عامل از ۱۲ ماده تشکیل گردیده است. این پرسشنامه از ۶۰ سوال تشکیل شده است و برای هر سوال ۵ گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب یک تا پنج نمره به آنها اختصاص داده شده است. آلفای کرونباخ برای پنج تیپ شخصیتی به ترتیب عبارتند از: ۰/۷۳، ۰/۷۷، ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۶۸. برای شاخص‌های A, O, E, N و پرسشنامه از روایی محتوایی خوبی برخوردار است.

پرسشنامه تعارضات زناشویی: یک ابزار ۴۲ سوالی است که برای سنجش تعارضات زناشویی ساخته شده است که هفت بعد از تعارضات زناشویی (کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر، جدا کردن امور مالی از یکدیگر) را می‌سنجد برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب یک تا پنج نمره به آنها اختصاص داده شده است.

نتایج

آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۳۲ نفری ۵۳٪ می‌باشد که نشان می‌دهد از پایان خوبی برخوردار است و همچنین از روایی محتوایی خوبی نیز برخوردار است. میانگین و انحرافات استاندارد نمره کل گروه دارای تعارضات زناشویی و گروه کنترل به ترتیب ۱۰۵/۱۰۶ (۲۱/۲۸) و ۵۸/۱۸ (۱۱/۷۷) است. طبق هماهنگی با مشاوران مراکز مشاوره مورد نظر، پرسشنامه‌های مذکور بصورت فردی، دلخواه و بعد از آگاهی از اهداف پژوهش، و بدون محدودیت زمانی توسط شرکت کنندگان با دقت تکمیل گردید.

جدول ۱

ضرایب همبستگی متغیرهای شخصیتی با تعارضات زناشویی

میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری
بی‌ثباتی هیجانی (N)	۲۶/۳۵	۰/۳۱۲	۰/۰۰۱
برونگرایی (E)	۲۹/۰۹	-۰/۲۵۱	۰/۰۰۱
باز بودن به تجربه‌ها (O)	۲۵/۶۵	-۰/۲۳۴	۰/۰۰۲
وجدانی بودن (C)	۲۷/۲۹	-۰/۲۰۴	۰/۰۰۶
توافق (A)	۲۴/۹۵	-۰/۲۵۲	۰/۰۰۱

بطوریکه در جدول (۱) ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی محاسبه شده برای تیپ بی‌ثباتی هیجانی و تعارضات زناشویی نشان دهنده یک رابطه معنادار مثبت می‌باشد ($P < ۰/۰۰۱$).

زندگی زناشویی یکی از جهانی‌ترین نهادهای بشری است که از دو نفر با توانایی‌ها و استعدادها متفاوت و با نیازها و علائق مختلف و در یک کلام با شخصیت‌های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰). یکی از عوامل تاثیر گذار در کیفیت و نوع روابط زناشویی، نوع شخصیت زوجین است همچنین بررسی‌ها و تحقیقات نشانگر آنست که نوع ویژگی‌های شخصیتی زوجین در نوع، میزان و ماهیت تعارضات آنان مؤثر می‌باشد به طوری که در پژوهشی که توسط باریز و دیچکتزا (۲۰۰۶) انجام شد نشان داد که بین تیپ‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. لذا با توجه به موارد مطرح شده، این پژوهش به دنبال آن است که آیا بین ویژگی‌های شخصیتی (بی‌ثباتی هیجانی، برونگرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) و تعارضات زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری این پژوهش، می‌توان به نظریه پنج عاملی شخصیت نو که جدیدترین و مطرح ترین رویکرد شخصیتی که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد، اشاره نمود. در ایران تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است و بیشتر پژوهش‌ها به رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند و از طرف دیگر تحقیقات خارجی انجام شده در این زمینه نه تنها کمتر صورت گرفته است بلکه این تحقیقات برخی از ویژگی‌های شخصیتی را مورد بررسی قرار داده‌اند و همچنین با توجه به دلایلی از جمله استفاده از ابزارهای متفاوت، داشتن جوامعی متفاوت از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و مذهبی نمی‌توان آن را با اطمینان به جامعه ایرانی تعمیم داد.

از آنجاییکه بروز تعارضات زناشویی یکی از مقدمات جدایی و طلاق می‌باشد و طلاق نیز دارای پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فرزند آسیب روانی، اعتیاد، خودکشی، خشونت، افسردگی، انزوا، افت تحصیلی فرزندان را به همراه دارد اهمیت و ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

تعداد مردان و زنان شرکت کننده به ترتیب ۶۳ و ۸۵ و از لحاظ دامنه سنی بین ۱۹ تا ۵۲ سال، از لحاظ تحصیلات پایین تر از دیپلم تا فوق لیسانس و از لحاظ طول مدت ازدواج، بین یک تا ۳۰ سال و از لحاظ تعداد فرزند، بدون فرزند تا پنج فرزند می‌توان اشاره نمود.

این پژوهش به لحاظ ماهیت و هدفی که دنبال می‌کند از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارمندان ادارات شهرستان بوشهر بودند. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۴۸ نفر از میان کارمندانی که بدلیل حل تعارضات زناشویی خود به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. کارمند بودن و حداقل یکسال زندگی مشترک از ویژگی‌های لحاظ شده در انتخاب نمونه‌ها بود.

نادری (۱۳۷۸)، عطاری و همکاران (۱۳۸۵) و رجبی و بنگانی (۱۳۸۷) مطابقت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه تیپ شخصیتی وجدانی بودن دارای دو ویژگی عمده، توانایی کنترل تکانه‌ها و تمایل و بکارگیری طرح و برنامه در رفتار هستند و معمولاً افرادی دقیق، وقت‌شناس، قابل اعتماد، پایبند به اصول اخلاقی، شهروندی و تعهدات فردی شناخته می‌شوند، منطقی به نظر می‌رسد که این افراد تعارضات زناشویی کمتری داشته باشند و رضایت زناشویی بیشتری را تجربه کنند.

ضریب همبستگی بین تیپ شخصیتی توافق‌پذیری با تعارضات زناشویی بیانگر رابطه معنادار منفی می‌باشد بدین معنی که هر چه توافق‌پذیری بیشتر باشد تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های مشاک و نادری (۱۳۷۸) و باس و شالکفورد (۱۹۹۷) مطابقت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه تیپ شخصیتی توافق‌پذیری، دارای خصوصیاتی نظیر اعتماد و حسن نیت، اخلاص، اهمیت دادن به منافع دیگران، در تعارضات بین فردی و زناشویی، پرخاشگری را بخوبی کنترل کرده و برای بخشیدن و فراموش کردن خطاها آمادگی دارند، بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که افراد توافق‌پذیر، تعارضات زناشویی کمتری را تجربه کنند.

یافته‌ها نشان داد بین سن و تعارضات زناشویی رابطه معنادار منفی وجود دارد. بدین معنی که با افزایش سن تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های شفیعیان (۱۳۸۲)، کلک (۱۹۵۷)، کارتر (۱۹۷۱)، چارلزلی و همکاران (۱۹۸۰)، هیرومی (۱۹۸۸) روی ستار و همکاران (۱۹۸۸)، کارنی و برادبری (۱۹۹۵) همخوانی دارد ولی با یافته فراست و همکاران (۱۳۸۳) و عطاری و همکاران (۱۳۸۵) مغایر است. با توجه به اینکه سن فیزیکی، روانی، اجتماعی، عامل مهمی در بلوغ فکری، عاطفی و هیجانی به شمار می‌رود، باعث می‌شود افزایش سن زوجین رفتار، گفتار و عملکرد آنان، علاقه‌انگیزتر، منطقی‌تر و سنجیده‌تر شود و تعارضات بین فردی به خصوص تعارضات زناشویی به شکل منطقی، حل و فصل شوند. در سنین پایین کهنوجین از بالندگی هیجانی، عاطفی و فکری کمتری برخوردار هستند، این امر می‌تواند موجبات تعارضات زناشویی و طلاق را فراهم آورد. همبستگی بین تحصیلات با تعارضات زناشویی منفی معنادار است، این یافته با یافته‌های مولوی (۱۳۸۲)، هاردستی و همکاران (۱۹۸۰) و هاوسک نشت (۱۹۸۱) همسو است. می‌توان ادعا کرد که یکی از پایه‌های استحکام خانواده، بالا بودن سطح تحصیلات است. زیرا این عامل، باعث افزایش سطح بینش می‌گردد و تفاهم بیشتر و در نتیجه تداوم زندگی زوجین را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، زوجین دارای تحصیلات پایین دچار تعارضات زناشویی بیشتری می‌شوند چراکه این افراد به دست‌لای‌های قوی مجهز نیستند و نمی‌توانند در مقابل تغییرات فشارزای زندگی به خوب عمل کنند. به همین جهت بیشتر دچار تعارضات زناشویی می‌شوند.

بین جنس و تعارضات زناشویی رابطه معناداری یافت نشد. این یافته با یافته‌های حمیدی (۱۳۸۶) و اسمیت (۱۹۸۵) همخوانی دارد. بین طول مدت ازدواج و تعارضات زناشویی رابطه منفی است. بدین معنی که با افزایش طول مدت ازدواج، تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های خدایپناهی (۱۳۷۵)، لونسون و همکاران (۱۹۹۲)، بن کازین و مارگارات (۱۹۹۷) و شلینگر (۱۹۸۲) به نقل از کوپین، (۱۹۸۵). همخوانی دارد ولی با یافته فراست و همکاران (۱۳۸۳) همخوانی ندارد. می‌توان گفت که هر چه طول مدت ازدواج بیشتر شود نسبت به یکدیگر شناخت بهتری پیدا می‌کنند. از این رو منطقی به نظر می‌رسد که این شناخت در پیشگیری و حل تعارضات زناشویی به زوجین کمک نماید. بین تعداد فرزندان و تعارضات زناشویی رابطه معناداری یافت نشد. این یافته با یافته‌های فراست و همکاران (۱۳۸۳) و وایت و لیلارد (۱۹۹۱) همخوانی دارد.

با توجه به اینکه این تحقیق بر روی کارمندان صورت گرفته، تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر مراجعان مراکز مشاوره دچار محدودیت می‌سازد.

با اینحال، استفاده از یافته‌های این پژوهش، در مراکز مشاوره قبل از ازدواج، می‌تواند مفید باشد. چنانچه این پژوهش بر روی سایر مراجعان مراکز مشاوره انجام گیرد بیشتر می‌تواند به تعمیم‌پذیری نتایج آن اتکا نمود. با توجه به نتایج تحقیق، مشاوران و روانشناسان خانواده می‌توانند از طریق شناخت این ویژگی‌ها و معرفی آنها بینش آنها را به زوج‌های مقابل ارتقاء بخشند.

منابع

آزاد، حسین؛ نصیب البکاء، انسیه (۱۳۸۰). مقایسه ویژگی‌های فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و ناسازگار شهر تهران، دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) علوم تربیتی و روانشناسی. ۷: ۵۴-۴۱.
بنی جمالی، شکوه السادات؛ نفیسی، غلامرضا؛ یزدی، سیده منور (۱۳۸۳). ریشه یابی علل از هم پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۳(۱ و ۲): ۱۷۰-۱۴۳.

۳۱۲/۰-۲. ضریب همبستگی محاسبه شده برای تیپ شخصیتی برون‌گرایی و تعارضات زناشویی بیانگر یک رابطه معنادار منفی است ($P < 0.001$, $r = -0.251$). ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین تیپ شخصیتی باز بودن تجربه‌ها و تعارضات زناشویی بیانگر یک رابطه منفی معنادار می‌باشد ($P < 0.001$, $r = -0.234$). ضریب همبستگی برای رابطه وجدانی بودن (C) و تعارضات زناشویی بیانگر وجود رابطه منفی معنادار است ($P < 0.05$, $r = -0.204$) و ضریب همبستگی بین تیپ شخصیتی توافق‌پذیری (A) با تعارضات زناشویی حاکی از یک رابطه معنادار منفی می‌باشد ($P < 0.001$, $r = -0.252$).

جدول ۲

ضرایب همبستگی تعارضات زناشویی با متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری
سن	-۰/۳۳۲	۰/۰۰۰۵
جنس	-۰/۱۳۱	۰/۰۵۷
تحصیلات	-۰/۱۹۴	۰/۰۴۷
طول مدت ازدواج	-۰/۱۶۰	۰/۰۲۶
تعداد فرزندان	۰/۰۷۳	۰/۱۹۰

بطوریکه در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد بین تعارضات زناشویی با سن، تحصیلات و طول مدت ازدواج رابطه معنادار منفی وجود دارد ($P < 0.05$) و بین تعارضات زناشویی با جنس و تعداد فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$).

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و تعارضات زناشویی انجام شد. همانگونه که در جدول (۱) منعکس است، ضریب همبستگی محاسبه شده نشان دهنده یک رابطه معنادار مثبت بین تیپ شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی و تعارضات زناشویی است. بدین معنی که هر چه بی‌ثباتی هیجانی بیشتر باشد احتمال اینکه تعارضات زناشویی افزایش یابد بیشتر است. این یافته با یافته‌های مشاک و نادری (۱۳۷۸)، عطاری و همکاران (۱۳۸۵)، رجبی و بنگانی (۱۳۸۷)، باس و شالکفورد (۱۹۹۷) و باربیز و دیچکتزا (۲۰۰۶) مطابقت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه تیپ شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی دارای ویژگی‌هایی نظیر داشتن احساسات منفی مانند خشم و برانگیختگی، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها و همچنین داشتن درجه‌های انطباق ضعیف‌تر با دیگران از جمله همسرشان است، از این رو، منطقی به نظر می‌رسد افرادی که دارای تیپ بی‌ثباتی هیجانی هستند با تعارضات زناشویی بیشتری مواجه خواهند شد.

همبستگی محاسبه شده برای تیپ شخصیتی برون‌گرایی و تعارضات زناشویی بیانگر یک رابطه معنادار منفی است، بدین معنی که هر چه برون‌گرایی افزایش یابد تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های مشاک و نادری (۱۳۷۸)، عطاری و همکاران (۱۳۸۵)، رجبی و بنگانی (۱۳۸۷)، و باربیز و دیچکتزا (۲۰۰۶) مطابقت دارد. برای تبیین این یافته می‌توان اینگونه استدلال کرد که افراد برون‌گرا به لحاظ داشتن ویژگی‌هایی مانند اجتماعی بودن، دوستدار دیگران بودن، فعال و پر تحرک بودن و مذاکره برای حل تعارض، می‌تواند انتظار داشت که تعارضات زناشویی کمتری را تجربه کنند چرا که این افراد علاقه‌مند به رابطه بین فردی به خصوص رابطه زناشویی، مذاکره برای حل تعارض هستند، به همین جهت افراد می‌توانند بسیاری از مشکلات و تعارضات زناشویی را از طریق مذاکره و اتخاذ راه‌حل‌ها و راهکارهای مناسب برای پیشگیری و یا حل تعارضات، همکاری، تفاهم و گذشت، حل و فصل کنند.

رابطه همبستگی بین تیپ شخصیتی باز بودن به تجربه و تعارضات زناشویی بیانگر یک رابطه منفی معنادار است، بدین معنی که هر چه باز بودن به تجربه‌ها بیشتر باشد تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها، با یافته‌های رجبی و بنگانی (۱۳۸۷) و باس و شالکفورد (۱۹۹۷) مطابقت دارد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت که افراد «باز» به دلیل داشتن خصوصیاتی نظیر، دیده‌گاه‌های گسترده‌تر، گستره علائق بیشتر، مستقل و خلاق بودن، مشتاق تجربه کردن فقط به خاطر خود تجربه، حساس بودن نسبت به احساسات خود، درک احساسات دیگران، جذب شدن به نظریات جدید و نظام‌های ارزشی گوناگون، به آنها امکان می‌دهد که دیگران را بهتر تحمل کنند و در برابر نگرش‌ها، تفکرات و عقاید متفاوت نسبت به احساسات دیگران، جذب شدن به باشند. طبیعتاً چنین افرادی در رابطه زناشویی خود، تعارضات کمتری را تجربه می‌کنند و رضایت و سازگاری بیشتری نشان می‌دهند.

رابطه بین وجدانی بودن و تعارضات زناشویی منفی معنادار است، بدین معنی که هر چه وجدانی بودن افزایش یابد تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد این یافته با یافته‌های مشاک و

رجبی، غلام؛ بنگانی، خدیجه (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگیهای شخصیتی و مولفه‌های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متاهل ادارات دولتی شهر اهواز، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۲۵/۲: ۲-۷.

شکرکن، حسین؛ خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ حقیقی، جمال؛ شهنی ییلاق، منیحه (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در اهواز، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۱۳/۱: ۱-۱۰.

عطاری، یوسفعلی؛ امان الهی فرد، عباس؛ محرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان ادارات دولتی شهر اهواز، *تازدها و پژوهش‌های مشاوره*. ۱۳/۳: ۸۱-۱۰۸.

Barwlds, D. P. H., Barelds- Dijkstra, P., 2006, Partner personality in Distressed Relation Ships, *Clinical Psychology and Psychotherapy*. 13: 392 – 396.

Buss, D.M., Shackelford, T.K., 1997, personality and mate preferences: Five Factors in mate Selection and Marital Sates Faction, *Journal of personality*. 6(65): 108 – 136.

Goldenberg, I.d & Goldenberg, H. (2002). *Family Therapy: An overview*. Canada: Thomson Learning.